

بسمه تعالی

فصل چهارم

درس نهم – قسمت اول

اقدام برای ازدواج

برای ۲ ساعت درسی (حدود ۸۰ دقیقه مفید)

سوالات کلیدی:

۱. فرایند ازدواج شامل چه بخش هایی است؟
۲. چرا دقت در فرایند ازدواج در ازدواج موفق مهم است؟

موقعیت:

باز شدن پرونده ازدواج امید خان، به همه اهل فضل این اجازه را داده بود که موارد مناسب به نظر خودشان را به مادر شخص مورد نظر (امید) معرفی کنند. اما با درایت پدر و مادر آگاه امید، اکثر این پیشنهادهای در همان ابتدای طرح، رد می شدند. از طرف دیگر، خود جناب داماد با نگاهی گذرا به دوران دانشگاه، گزینه هایی را در خاطر خویش می آورد که همه از خوبان آن دوران بودند. اما بعد از تماس های تلفنی با دوستان و بررسی هایی در صفحات مجازی، کاشف به عمل می آمد که سیمرغ از قفس پریده است و طایر اقبال بر شانه ای دیگر نشسته.

لذا تنها راه منطقی پیش روی امید، بررسی بهتر گزینه های پیشنهادی مادر بود. در این بین یکی از اقوام دور مادری، گزینه ای معرفی کرد که روی کاغذ، با ملاک های امید متناسب تر به نظر می رسید اما به جهت غیر آشنا بودن آنها نیاز به تحقیق و بررسی بیشتری بود. در این مرحله نیز خانواده مذکور، سربلند بیرون آمد و هیچ نکته منفی ای در مورد آن ها یافت نشد. ظاهرا کار بالا گرفته بود و طی جلسه ای که اعضای خانواده باهم داشتند، تصمیم بر این شد که با تماس تلفنی، طرف مقابل را از نیت خودشان آگاه کنند. احتمالا هیچ کدام از ما درک نخواهیم کرد که برقراری چنین تماسی چه فشاری بر مادر می آورد اما مادر امید بالاخره بر خودش مسلط شد و این کار را به خوبی انجام داد. به گونه ای که حتی برخی سوالات و ابهاماتی که در جریان تحقیقات اولیه پیش آمده بود هم برطرف شد. نتیجه تماس این بود که مادر عروس احتمالی، فرصتی خواست تا بعد از مطرح کردن موضوع با همسر و دخترش، تصمیم بگیرند. قرار شد سه روز بعد مادر امید تماس بگیرد و نظر خانواده دخترخانم را جویا شود. و بالاخره این تماس انجام شد.

مریم (با نگرانی): چی شد؟

امید که گوش هاش سرخ شده بود چشم به دهان مادر دوخت

مادر: گفتند سه شنبه تشریف بیارین
 امیر: لا لا لا لا لا، همدیگه رو پسندیدن!
 امید (در حالیکه تلاش میکرد ذوق زدگیش رو پنهان کنه): برو بابا، هنوز ندیدمش که. بذار یه جلسه باهاش
 حرف بزنم ببینم اصلا به درد من می خوره یا نه بعد از این آهنگ ها بزن.
 امیر: عزیز من قیافت انقدر تابلوست که معلومه تو همون جلسه اول خواستگاری میگی نیمه گمشده ام رو پیدا
 کردم. اصلا به نظر من این خواستگاری و این چیزا همش الکیه. فقط وقت کشیه، مثل این تیمایی که توی
 فوتبال جلو میافتن و بعدش الکی خودشونو می زنن زمین!
 پدر: این امیر نگران خودشه که ازدواجش دیر نشه.
 امیر: نه بابا جدی میگم، حالا شاید بشه یه وقتایی خواستگاری رو توجیه کرد، اما خداییش شما می تونین یه
 دلیل منطقی برای این همه مراسم بیخودی که قبل از ازدواج هست بیارین؟ فقط کشش میدن تا دوتا جوون
 دیرتر برن سر خونه و زندگیشون.
 مادر (در حالیکه حرف پدر را تایید می کرد با صدای آرام و در گوش پدر): به دلم افتاده همین میشه
 پدر: انشالله که هرچی میشه خیر و صلاحش باشه

گفت و گو در کلاس:

- ۱- شیوه ای که در داستان آمده یکی از روشهای مرسوم شروع به اقدام برای ازدواج است. چه شیوه‌های دیگری در منطقه شما مرسوم است؟ هر شیوه چه مزایا و معایبی دارد؟
- ۲- مراحل که امید و خانواده اش، قبل از جلسه خواستگاری طی کردند چه بود و چه ضرورتی داشت؟
- ۳- جلسه خواستگاری با چه هدفی برگزار خواهد شد؟ امید باید به چه موضوعاتی دقت کند و یا به دنبال پاسخ به چه سوالاتی باشد؟

طرح مسئله:

در دروس گذشته درباره مراحل پیش از ازدواج گفتگو کردیم. دانستیم برای موفقیت در ازدواج، «دوران پیش از ازدواج» از اهمیت بالایی برخوردار است. شناخت خود، اصلاح روابط موجود با اعضای خانواده، دستیابی به شایستگی های لازم و تعیین ملاک های عاقلانه برای انتخاب همسر. در این بخش درباره فرایند حین ازدواج گفتگو خواهیم کرد. این فرایند را به چند مرحله‌ی اصلی تقسیم کرده ایم:

مراحل فرایند ازدواج:

۱) بررسی و انتخاب اولیه

۲) خواستگاری و دوران آشنایی

۳) دوران نامزدی و عقد

۴) شروع زندگی مشترک

در ادامه در مورد هر یک از این مراحل توضیح می‌دهیم

گام اول: بررسی و انتخاب اولیه

هر فرد، گزینه‌های مختلفی برای ازدواج دارد. گاهی این افراد در بین آشنایان خانوادگی و گاهی غریبه هستند و از طریق یک آشنای مشترک معرفی شده‌اند یا این‌که خود فرد با او آشنا شده است. در تمام این موارد، بررسی اولیه گزینه‌ها بر مبنای ملاک‌های انتخاب همسر ضروری است. بسیار مهم است که قبل از طرح موضوع با دختر و خانواده‌اش، بررسی کنید که او تا چه میزان با ملاک‌های شما هماهنگی دارد. البته این یک بررسی ابتدایی است و بسیاری از جزئیات در مراحل بعدی مشخص می‌شود.

بهتر است زمانی برای خواستگاری اقدام کنید که در بررسی‌های اولیه، شواهد کافی برای تناسب خانواده‌ها وجود داشته باشد و همچنین احتمال قوی که طرف مقابل از ویژگی‌های مناسب برای ازدواج برخوردار است.

تفکر:

۱- یکی از موضوعاتی که ازدواج را با مشکل و تاخیر زیاد مواجه می‌کند اقدام به خواستگاری‌های فراوان و بدون بررسی اولیه است. به نظر شما چرا این کار آسیب‌زا است؟

۲- با توجه به ویژگی‌ها و عرف منطقه زندگی و خانواده شما، از چه راه‌هایی می‌توانید برای یافتن فرد مناسب برای ازدواج اقدام کنید؟ کدام راه مزایای بیشتر و معایب کمتری دارد و احتمال یافتن گزینه مناسب برای ازدواج موفق در آن بیشتر است؟

گام دوم: خواستگاری و دوران آشنایی

بعد از اینکه در بررسی‌های اولیه و مشورت با خانواده تان در مورد یک نفر به این جمع بندی رسیدید که احتمالاً گزینه مناسبی برای ازدواج است، گام بعدی خواستگاری است. هدف از خواستگاری طرح مسئله با طرف مقابل و خانواده اوست. هدف از این مرحله شناخت متقابل و بیشتر طرفین و خانواده‌هایشان از

یکدیگر است. اما چرا شناخت خانواده ها هم اهمیت دارد؟ زیرا در فرهنگ ما، ازدواج موجب خویشاوندی و ارتباط نزدیک میان دو خانواده است و تصمیمی نیست که صرفاً در زندگی دونفر تاثیر داشته باشد. برای خواستگاری معمولاً یک نفر واسطه و یا یکی از والدین پسر، موضوع را با خانواده دختر مطرح میکند. در صورتی که خانواده ها آشنایی قبلی با یکدیگر نداشته باشند، در همین تماس اولیه میتوانند اطلاعاتی درباره خانواده و فرزندشان رد و بدل کنند. ممکن است در این مرحله خانواده دختر به هر دلیلی از جمله عدم آمادگی یا موافقت فرزندشان برای ازدواج یا عدم وجود یکی از ملاکهای مدنظرشان در پسر، پاسخ منفی بدهند. در صورتی که دختر و خانواده او اجازه دادند، قراری برای جلسه خواستگاری بین دو خانواده گذاشته میشود.

جلسات خواستگاری بسته به نیاز طرفین و عرف خانوادهها تداوم می‌یابد و همراه با یک دوره محدود آشنایی اولیه برای دختر و پسر است. در این مرحله، زوج احتمالی آینده با نظارت خانواده هایشان، از طریق گفتگو و ارزیابی رفتارهای یکدیگر تلاش میکنند به شناختی دقیق تر از اخلاق و باورهای طرف مقابل و خانواده اش دست یابند. در صورتی که دو طرف در این مرحله ارزیابی مثبتی از هم داشتند و به توافق رسیدند، وارد دوران نامزدی و عقد می‌شوند.

گفت و گو در کلاس:

با توجه به ملاکها و سایر موارد گفته شده برای ازدواج موفق، شما چه سوالاتی را در جلسه خواستگاری می‌پرسید و به چه مواردی دقت می‌کنید؟

گام سوم: دوران نامزدی و عقد

دوران نامزدی برای آشنایی بیشتر پسر و دختر است و طول مدت آن را عرف خانوادهها و شرایط طرفین تعیین می‌کند. در مورد زوجیهایی که آشنایی کافی با هم ندارند بهتر است دوران نامزدی کمی طولانی تر شود تا پسر و دختر بتوانند تحت نظارت خانوادهها با رفت و آمد بیشتر به شناخت بهتری برای انتخاب برسند. دوران عقد - که بعد از جاری شدن صیغه عقد دائم شروع می‌شود - دختر و پسر از نظر شرعی و قانونی ازدواج کرده اند اما هنوز با هم و به اصطلاح زیر یک سقف زندگی نمیکنند. در این دوره دختر و پسر و خانواده هایشان زمینه های لازم برای شروع زندگی مشترک و مستقل را فراهم میکنند.

گام چهارم: تشکیل زندگی مشترک

گفتیم که پس از جاری شدن خطبه عقد بین دختر و پسر، آنها زن و شوهر محسوب می‌شوند. اما غالباً از زمانی که زوج جوان به یک خانه نقل مکان می‌کنند و با هم زندگی می‌کنند زندگی مشترک آنها عملاً شروع

می‌شود. معمولاً برای شروع این مرحله، مراسم جشن عروسی برگزار میشود و با دعوت از نزدیکان و آشنایان، آغاز زندگی مشترک زوج رسمیت می‌یابد و به اطلاع همه می‌رسد. در این مرحله است که خانواده جدید شکل می‌گیرد و دو نفر به طور کامل نقشها و مسوولیت‌های جدید خود را به عهده می‌گیرند. درباره این مرحله در درس‌های بعدی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

فعالیت گروهی در کلاس:

دو نمونه‌ای که در زیر آورده شده برگرفته از موارد واقعی است که نامها در آن تغییر یافته است. پس از مطالعه این بخش درباره سوالاتی که در ادامه آمده‌است در گروه گفت و گو کنید و نتیجه را با کلاس در میان بگذارید.

مورد اول:

مهدیه از خانواده ایست که به نظم و وقت اهمیت بسیاری می‌دهند خانواده او اغلب اتفاقات روزمره مانند ساعات خواب، شام و نهار را با نظم و ترتیب معینی انجام می‌دهند، مثلاً سعی می‌کنند مهمانی‌هایشان را اوایل شب خاتمه دهند تا برای بیدار شدن در صبح، دچار مشکل نشوند. چرا که پدر و مادرش نسبت به قرارهایی که در طول روز تنظیم می‌کنند بسیار متعهد و پایبند هستند. اما همسر وی امیرحسین، در خانواده‌ای رشد یافته که اصولاً با مفاهیمی همچون زمان و وقت شناسی بیگانه‌اند. دوره‌های خانوادگی آنها معمولاً از اواخر شب آغاز و تا نزدیک صبح به طول می‌انجامد و تازه آخر شب به فکر تهیه شام می‌افتند (چون معمولاً ناهارشان را نزدیک عصر می‌خورند). این موضوع به شدت مهدیه را دچار مشکل کرده. چرا که او معلم است و صبح‌ها باید به موقع در کلاس درس حاضر شود. درحالی که امیرحسین با این که خودش نیز کارمند است به دیر رفتن عادت دارد. در ضمن امیرحسین حاضر نیست از شرکت در این دوره‌های اجتناب کند یا بپذیرد که مهمانی را را زودتر از بقیه اقوام ترک کنند.

در نتیجه این مسئله به ظاهر بسیار جزئی و پیش پا افتاده باعث کشمکش میان این زن و شوهر شده است. البته مهدیه از دوران عقد نسبت به این عادت خانواده همسرش، آگاهی داشته اما فکر نمی‌کرده که این موضوع تا این حد می‌تواند در زندگی مشترک آن‌ها تاثیر منفی بگذارد و در نتیجه نسبت به آن بی‌تفاوت بوده است. درحالی که پس از ازدواج این مسئله به یک معضل اساسی برای آن‌ها تبدیل شده است.

مورد دوم:

محسن و شیرین پس از طی یک سال دوران نامزدی و عقد به تازگی زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند. شیرین، دانشجوی سال آخر رشته منابع طبیعی و محسن، دانشجوی سال اول کارشناسی ارشد رشته اقتصاد است و هر دو در یک دانشگاه مشغول به تحصیل اند. در دوران عقد، گاهی پیش می‌آمد که این دو با یکدیگر در مورد گرایش‌های سیاسی خود بگو مگو کنند اما به خاطر ماهیت این دوران اختلاف نظر‌های خود را به دلیل جذابیت‌های یکدیگر، خیلی جدی نمی‌گرفتند، و قضیه را هر طور که بود حل و فصل می‌کردند.

پس از ازدواج و فرا رسیدن روزهای برگزاری انتخابات، درمورد انتخاب کاندیدای مورد نظر خود دچار اختلافات شدیدی با یکدیگر شده‌اند تا جایی که حتی پای خانواده‌های خود را هم به میان کشیده‌اند. هم‌چنین، اختلاف در زمینه گرایش‌های سیاسی، بر روی جزئی‌ترین مسائل زندگی‌شان هم تاثیر منفی گذاشته است به طوری که در مورد مسائل روزمره هم که تا قبل از آن با یکدیگر اتفاق نظر و سلیقه داشتند، نزاع و درگیری پیدا کرده‌اند. درواقع مساله گرایش سیاسی برای هر دوی آنها جزو ملاک‌های با اولویت بالا بوده اما قبلا به آن توجه نکرده بودند و به این دلیل که هر دو، افرادی انعطاف‌ناپذیرند و بر عقاید خود تعصب دارند دچار مشکل شده‌اند.

با توجه به دو مثال فوق به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

- ۱- به نظر شما ندیده گرفتن چه عواملی باعث بروز این مشکلات شده است؟
- ۲- پی بردن به این عوامل از چه راه‌هایی و در چه دورانی از دوره‌های ازدواج ممکن است؟
- ۳- آیا همه‌ی این نوع موارد قبل از ازدواج قابل حل است یا برای برخی باید بعد از ازدواج چاره اندیشید؟

(درباره پاسخ سوال سه در درس یازده بیشتر خواهیم آموخت)

جمع بندی:

چنانکه پیش از این گفتیم، ازدواج تنها پیوندی عاطفی میان دو نفر نیست بلکه یک تعهد اجتماعی هم هست که بخشی از آن میان زوج و بخش دیگری در رابطه با اطرافیان و اجتماع شکل می‌گیرد. بر این اساس در هر جامعه و فرهنگی برای شروع زندگی مشترک مراحل وجود دارد و توجه به این مراحل در تثبیت و موفقیت ازدواج نقش مهمی دارد.

در عین حال باید در نظر داشت که ازدواج کردن ذاتاً موضوعی پیچیده و سخت نیست. بنابراین مراحل مختلف ازدواج نباید به مجموعه‌ای از تجملات و تشریفات غیر ضروری تبدیل شوند، بلکه باید با دقت در کارکرد و اهداف اصلی این مراحل - که در جهت تحکیم ازدواج است - در پی دستیابی به هدف اصلی یعنی ازدواج موفق باشیم.

در این باره در قسمت بعدی این درس و همچنین درس ۱۰ سخن خواهیم گفت.

سوال برای تفکر بیشتر:

چگونه می‌توانید ضمن احترام به آداب و رسوم و همچنین استفاده مناسب از فرایند ازدواج برای شناخت طرف مقابل، از سخت شدن ازدواج یا طولانی شدن بیش از حد مراحل آن جلوگیری کنید؟

بسمه تعالی

فصل چهارم

درس نهم - قسمت دوم

اصول حاکم بر فرایند ازدواج

برای ۲ ساعت درسی (حدود ۸۰ دقیقه مفید)

سوالات کلیدی:

- ۱- با توجه به تفاوت مراحل ازدواج در فرهنگها و حتی خانواده های مختلف، رعایت چه اصول مشترکی برای موفقیت فرایند ازدواج لازم است؟
- ۲- رعایت و یا عدم رعایت این اصول چه پیامدهایی دارد؟
- ۳- برای شناخت بهتر طرف مقابل در فرایند ازدواج به چه موضوعاتی باید توجه کنیم و چه راههایی برای این کار وجود دارد؟

موقعیت:

علیرضا در یک جلسه مشاوره مساله‌اش را این طور مطرح می‌کند:
من و فاطمه یک اشتباه بزرگ کردیم و آن هم این بود که همیشه فکر میکردیم دوران نامزدی بهترین دوران زندگی مشترک است. دائما از این و آن می شنیدیم که تا می توانید از این دوران لذت ببرید. حتی یکی روز یکی از دوستان متاهلم به من گفت تو چرا انقدر کم خوش می گذرانی؟ تا می توانی با نامزدت خوش باش، بعدا حسرت این روزها را خواهی خورد. این قبیل توصیه ها، من و فاطمه را مجاب کرده بود که باید در این دوران تلاش کنیم شرایطی را فراهم کنیم که فقط لذت ببریم. گاهی در جریان گفتگو هایمان سر نخ هایی از تفاوت های عمده ی شخصیتی ما به دست می آمد اما برای اینکه فضای تفریح و خوشی به هم نریزد، سریع از آن عبور می کردیم. درحالیکه اگر همان ها را پی می گرفتیم بسیاری از مشکلاتی که امروز با آنها دست و پنجه نرم می کنیم قابل پیش بینی بود و شاید اصلا باهم ازدواج نمی کردیم یا از ابتدای زندگی برنامه بهتری برای سازگار شدن داشتیم.

پرسش از کلاس:

با توجه به مورد علیرضا، به نظر شما اهداف دوران آشنایی پیش از ازدواج چه مواردی هستند و چه چیزهایی مانع از برآورده شدن این اهداف می‌شود؟

طرح مسئله:

در درس گذشته درباره فرایند ازدواج و گام های آن صحبت به میان آمد و گفته شد که این فرایند معمولاً شامل چند مرحله یا گام است:

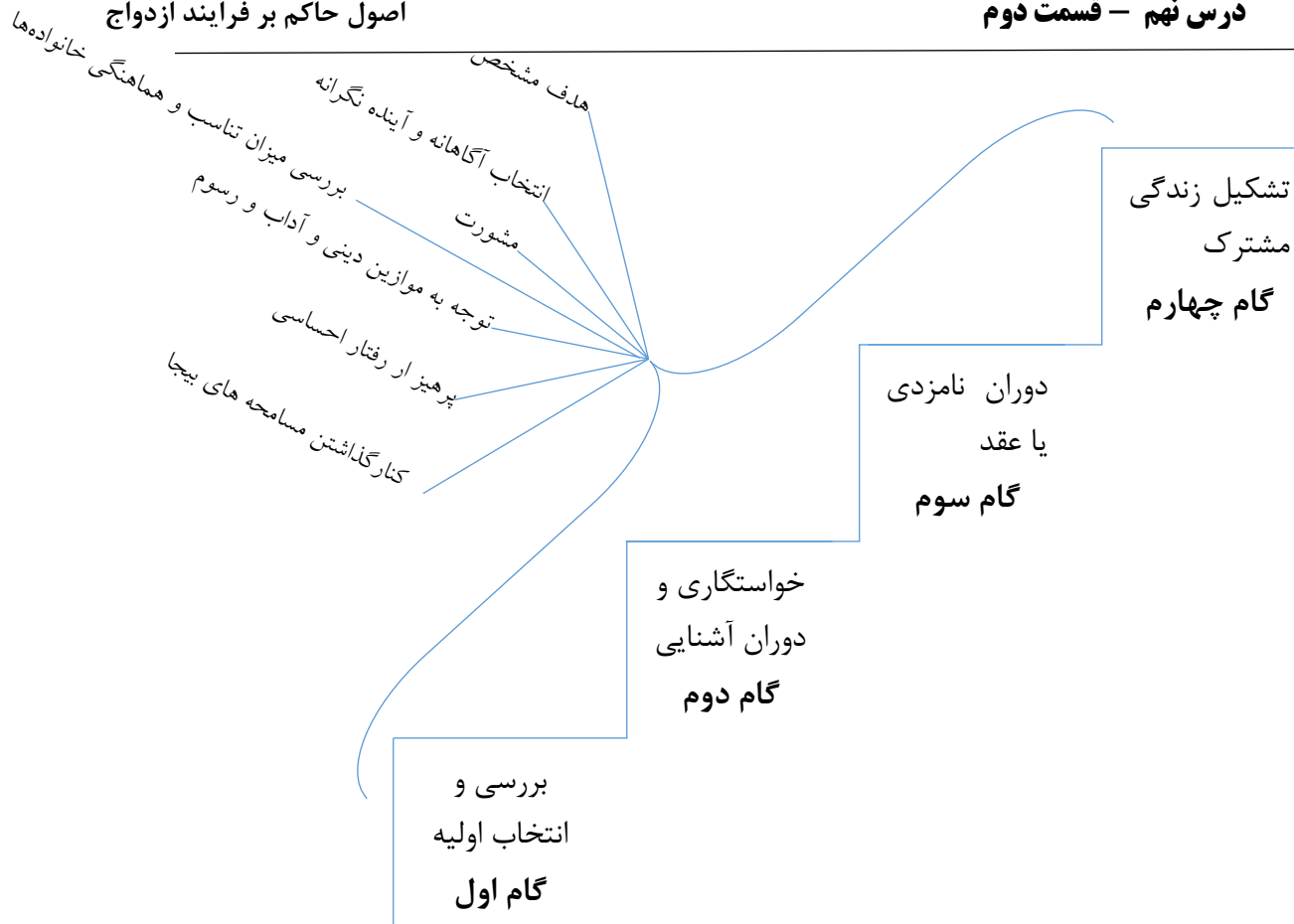
گام های فرایند ازدواج:

- ۱) بررسی و انتخاب اولیه
- ۲) خواستگاری و دوران آشنایی
- ۳) دوران نامزدی و عقد
- ۴) تشکیل زندگی مشترک

ویژگیها و نحوه اجرای هر یک از این مراحل با توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی هر خانواده و منطقه متفاوت است. در برخی از موارد ممکن است دو مرحله در هم ادغام شوند یا یک مرحله بسیار کوتاه باشد. اما نباید فراموش کرد که هدف اصلی در این فرایند، شناخت طرف مقابل و ایجاد زمینه برای یک ازدواج موفق است. بر این اساس در هر یک از مراحل فوق ما باید از اصولی مشخص پیروی کنیم تا به نتیجه مطلوب برسیم. از این اصول به عنوان اصول موفقیت در فرایند ازدواج یاد می کنیم.

اصول موفقیت در فرایند ازدواج:

۱. داشتن هدفی روشن در هر مرحله و عدم درگیر شدن بیش از حد در ظواهر و مسایل سطحی
 ۲. انتخاب آگاهانه و آینده نگرانه: عدم ایجاد وابستگی شدید و در نتیجه تصمیم گیری احساسی-عاطفی
 ۳. بهره بردن از مشاوره و مشورت دیگران
 ۴. بررسی میزان تناسب و هماهنگی خانوادهها
 ۵. توجه به موازین دینی و هماهنگی اقدامات با عرف و ضوابط خانواده ها و آداب و رسوم آن ها
 ۶. پرهیز از رفتارهای احساسی و هیجانی
 ۷. صراحت با خود و طرف مقابل، کنار گذاشتن رودربایستی و مسامحه بی جا در بیان نظرات خود
- این اصول در همه مراحل فرایند ازدواج حاکم هستند. برای درک بهتر موضوع به شکل زیر دقت کنید:



در ادامه به توضیح هریک از اصول بالا می پردازیم.

(۱) هدف روشن در هر گام

برای اینکه بدانیم در هر گام به دنبال چه چیزی هستیم، بهتر است از آخرین مرحله یعنی زندگی مشترک شروع کنیم. جا دارد هریک از ما از خود بپرسد که "من برای چه ازدواج میکنم و در ازدواج به دنبال چه چیزی هستم؟" اگر جواب های معقول و منطقی برای این سوال یافتیم باید متناسب با آنها، اهداف گام های دیگر را مشخص کنیم مثلاً: "در دوران آشنایی به دنبال چه ویژگی هایی باید باشم؟" یا "چه سوالاتی را باید در خواستگاری بپرسم؟" روشن و دقیق بودن جواب این سوالات و مکتوب کردن آنها می تواند ما را از سردرگمی و اتلاف وقت در هر مرحله بیرون بیاورد. نمونه علیرضا در آغاز این درس مثال خوبی از مشکلاتی است که ممکن است در صورت توجه نکردن به هدف اصلی هر مرحله از فرایند ازدواج دچارش شویم. مثال زیر هم نوع دیگری از این مشکل را نشان می دهد.

طرح یک مورد: (متین و تردیدهایش)

متین از دوران نوجوانی به خوبی یاد گرفته بود مشورت کند و همیشه از نتایج خوب این کار راضی بود. در آغاز مسیر ازدواج نیز از این عادت پیروی کرد و به سبب اهمیت موضوع که تمام آینده اش را تحت تاثیر قرار می داد دامنه مشورت های خود را بسیار گسترده کرد. اما در این موضوع دچار افراط شد به طوری که تقریباً از هر شخصی که می شناخت نظراتش را جویا شده بود. فارغ از اینکه اهداف و ملاکهای او و شخصی که با وی مشورت می کند مشترک هستند یا نه؟

حاصل این مشورت مجموعه سوالاتی بود که باید در جلسه خواستگاری می پرسید. سوالاتی که تعدادش از صد گذشته بود. اما بعد از رفتن به بیش از ۳۰ مورد خواستگاری، به شدت مایوس و نگران بود که چرا موردی که متناسب با او باشد را پیدا نمی کند. این حس، تاثیر منفی جدی ای در روابطش با خانواده خودش نیز ایجاد کرده بود. او حس می کرد مواردی که مادرش برایش معرفی می کنند از سوی پدرش تحمیل می شود برای همین هم نمی تواند به گزینه مطلوب خودش برسد. از این رو با پدر و مادرش درگیر شده بود. بعد از اولین جلسه مشاوره راه حل مسئله پیدا شد. مشکل خود متین بود. چرا که ملاکها و اولویتهای خودش را در گزینش همسر مشخص نکرده بود و سوالاتی که در جلسه خواستگاری می پرسید هیچ وحدت رویه ای نداشت و هم او را سردرگم می کرد و هم طرف مقابل را مجاب می کرد که متین هیچ هدف مشخصی ندارد.

گفت و گو در کلاس:

اشتباه متین چه بود؟ او چگونه میتواند جلسات خواستگاری را برای خود مفیدتر کند تا با خواستگاری های کمتر همسر مناسبش را پیدا کند؟

۲) انتخاب آگاهانه و آینده نگرانه

در مرحله انتخاب اولیه باید مراقب دو موضوع باشیم: اول، تلاش برای تشخیص دقیق ملاک های مورد نظر در طرف مقابل و دوری از تصمیمات احساسی، غیر واقعی و یا حتی منفعت طلبانه. تحقیقات نشان می دهد که در بسیاری از ازدواج های ناموفق، افراد در مرحله انتخاب اولیه، از اهمیت توجه به ملاک ها غافل شده اند و به خاطر غلبه احساسات یا به خاطر منافع ظاهری و کوتاه مدت، وارد یک ازدواج ناموفق شده اند. دومین موضوع آینده نگری و توجه به پیامدهای بلندمدت ازدواج است. در بحث پیامدهای انتخاب دیدید که آثار کوتاه مدت انتخاب با آثار دراز مدت آن متفاوت است. در انتخاب همسر باید به ویژگیهایی که در دراز مدت اثر بیشتری دارند توجه بیشتری کرد. مثلاً عدم تناسب دیدگاه اقتصادی دو نفر و نقشی که از این لحاظ برای هریک از طرفین قایلند موضوعی است که ممکن است در کوتاه مدت به نظر قابل چشم پوشی باشد اما هرچه از ازدواج می گذرد اهمیت این موضوع بیشتر خودش را نشان می دهد. در واقع بعضی موضوعات مانند ریشه هستند و بعضی مانند برگهای درخت. هرچند برگها بیشتر به چشم می آیند اما ریشه است که هویت و اصل درخت را تشکیل می دهد. در مورد زیر می توانید جنبه های از این آثار دراز مدت را ببینید.

تصویر درخت و ریشه های آن

طرح یک مورد: (پارسا و هستی)

در دوران دانشجویی پارسا گزینه های متعددی برای ازدواج با وی مطرح شده بود اما او بعد از این که متوجه تمکن مالی خانواده هستی شد، ناخودآگاه به او علاقه بیشتری پیدا کرد و تحت تاثیر همین موضوع بسیاری از معیار هایی که از قبل برای همسر آینده اش در نظر گرفته بود رنگ باخت و بالاخره بعد از اتمام سال آخر دانشگاه با هستی ازدواج کرد. البته پارسا هرگز صرفا به خاطر سطح رفاه بالای هستی با وی ازدواج نکرده بود و واقعا هستی را دوست داشت اما در پس افکار خودش همیشه به این فکر میکرد که اگر نتوانست برای زندگی آینده اش خانه ای تهیه کند یقینا پدر هستی این کار را خواهد کرد. اتفاقا همین طور هم شد. بعد از مدتی زندگی مشترک در یک خانه کوچک اجاره ای در یکی از محله های بسیار قدیمی شهر، پدر هستی خانه ای در یکی از مناطق خوب شهر برای دخترش تهیه کرد. بعد از این اتفاق که برای پارسا نیز قابل پیش بینی و خوشایند نیز بود، اختلافات این زوج جوان بالا گرفت. پارسا معتقد بود که دیگر هستی مثل گذشته به او مانند یک مرد ایده آل و توانمند نگاه نمی کند و حرف های او را نمی پذیرد. او انتظار احترام بیشتری از همسرش داشت. این موضوعات شدیداً پارسا و هستی را می رنجاند و روابط بین آنها بسیار سرد شده بود. در جلسه ای که پارسا با مشاور خانواده داشت، یکی از دلایل اصلی این مشکلات، تکیه کردن پارسا به توان مالی خانواده همسرش بود که با باور خودش از نقش مرد در خانواده در تضاد قرارداشت.

۳) مشورت و مشاوره

ضرورت مشورت در موضوعات مهم زندگی و به خصوص مساله ازدواج امری بدیهی است اما در مشورت گرفتن توجه به چند نکته مهم ضروری است:

الف) مسئولیت انتخاب و تصمیم گیری در زندگی به عهده خود شماست، مشاور یا فردی که با او مشورت میکنید، نمیتواند به جای شما تصمیم گیری کند.

ب) یک مشاور خوب، نگاه شما را نسبت به مسئله باز میکند و کمک میکند شما جوانب بیشتری از مسئله را متوجه شوید و در نتیجه تصمیم بهتری بگیرید. مشاور نباید نظرات خودش را به شما تحمیل کند یا آنقدر شما را با طرح مسایل مختلف سر در گم کند که مانند مورد متین (بالا) ذهنتان آشفته شود و توان تصمیم گیری را از دست بدهید.

ج) مشاور خوب، فردی است که تلاش میکند شرایط شما را درک کند و متناسب با شرایط شما پیشنهادهایی مطرح کند نه اینکه صرفا بر اساس پیشفرض های خودش نظر بدهد.

د) مشورت در صورتی موثر و مفید است که مشاور، دانش و تجربه کافی در مورد مسئله ازدواج داشته باشد. کمک گرفتن از مشاورین متخصص و قابل اعتماد یکی از بهترین راهها در این زمینه است.

موارد زیر در یک دیاگرام یا تصویر بیاید

برخی از ویژگیهای یک مشاور خوب برای ازدواج:

متخصص و با تجربه در موضوع مشاوره ازدواج

دارای اعتقادات صحیح

قابل اعتماد و راز نگه دار

بی طرف

آگاه به شرایط روز و آشنا با نسل جوان

آشنا با فرهنگ بومی شما

۴) بررسی میزان هماهنگی و تناسب خانوادهها

خانواده یک فرد که سالها با ایشان زندگی کرده و در کنار ایشان رشد کرده، نقش غیر قابل انکاری در شکل گیری عمیق ترین لایه های شخصیت فرد دارند. لایه هایی که هرچند ممکن است مدتی به واسطه پیروی از دیگران یا تحت تاثیر جو اطرافیان فرد، خود را نشان نهند و پوشیده باشند اما بعداً آشکار می شوند و بنیان رفتاری و فکری فرد را شکل می دهند. از این جهت بی توجهی به وضعیت خانواده طرف مقابل چه از جهت اعتقادی و فکری و چه از جهت رفتار و سلوک اشتباه بزرگی در ازدواج است. هریک از مراحل فرایند ازدواج فرصت های خوبی برای شناخت خانواده طرف مقابل و ویژگیهای آنها در اختیار ما می گذارد و باید به این موضوع توجه کافی داشت. در بخش مطالعه بیشتر در پایان این درس اطلاعات بیشتری درباره آنچه باید به آن توجه کنید آمده است.

پرسش:

شاید این ضرب المثل را شنیده باشید که:

مادر رو ببین دختر رو بگیر

به این معنی که دختر در آینده شبیه مادرش خواهد شد و اگر ویژگیهای مادر مورد پسند شماست دختر هم برای ازدواج مناسب است. به نظر شما این موضوع از چه جنبه هایی درست و از چه جنبه هایی غلط است؟

طرح یک مورد: (حسین و هاجر)

حسین و هاجر در دانشگاه آشنا شده بودند، حسین از یک شهر دیگر برای تحصیل به آن دانشگاه آمده بود. بعد از هماهنگی با خانواده ها و خواستگاری حسین متوجه شد که تفاوت های فرهنگی - اجتماعی زیادی

میان دو خانواده وجود دارد اما چون هاجر را دوست داشت و احساس می‌کرد کنار گذاشتن او نوعی خسارت برای خودش و خیانت به اوست، بدون توجه به این مسئله ازدواج کردند. همین تفاوت فرهنگی زیاد، باعث بروز اختلافات خانوادگی و سوءتفاهم‌های زیادی شد. حسین و هاجر که در مرکز این مشکلات قرار داشتند باید بار تمام این مسائل را به دوش میکشیدند و عملاً زندگی مشترک آنها به دلیل این مشکلات از موفقیت زیادی برخوردار نبود.

گفت و گو در کلاس:

در باره این پرسش‌ها در کلاس بحث کنید:

۱- خانواده‌ها در چه زمینه‌هایی ممکن است تفاوت داشته باشند؟ در چه مواردی میتوان از این تفاوت‌ها صرف نظر کرد؟ آیا موارد مشابهی میشناسید که به دلیل چنین تفاوت‌هایی با مشکل روبرو شده باشند؟

۲- معمولاً دختر یا پسر می‌گویند، ما که با خانواده طرف قرار نیست ازدواج کنیم! خود طرف همه معیارهای ما را به عنوان همسر شایسته دارا است، پس دیگر چه نیازی به بررسی و شناخت خانواده او وجود دارد؟ حالا خانواده او با هر سلیقه، عقیده، فرهنگ، عادات و ... هستند که هستند!! نظر شما در این رابطه چیست؟

۵) توجه به موازین دینی، عرف و ضوابط خانواده‌ها و آداب و رسوم آن‌ها

هرچند که هماهنگی و تناسب خوبی بین خانواده‌ها وجود داشته باشد، دختر و پسر فرهنگ و سبک زندگی متفاوتی رشد کرده‌اند و برای دست‌یابی به ازدواج موفق لازم است که هر دو بتوانند با سنت‌ها و فرهنگ خانواده مقابل هماهنگ و سازگار شوند. کمک‌طرفین به هم برای شناختن و پذیرش این آداب و سنن تأثیر بسزایی در موفقیت ازدواج دارد. عروس که از آداب و رسوم و فرهنگ خانواده خودش آگاه است، باید به همسرش در این زمینه کمک کند. متقابلاً داماد باید به همسرش کمک کند تا با آگاهی از فرهنگ خانواده‌اش، بتواند هرچه بهتر با آنها سازگار شود. در واقع علاوه بر لزوم تناسب اولیه میان خانواده‌ها لازم است هریک از طرفین برای آشنا کردن طرف مقابل با آداب و رسوم و فرهنگ خانواده خود تلاش کنند و در فرایند ازدواج به رعایت این آداب و توجه به موازین دینی مورد قبول دو طرف مقید باشند. بی‌توجهی به این موضوع آثار و تبعات منفی در آینده بر ازدواج خواهد گذاشت.

۶) پرهیز از رفتارهای احساسی و هیجانی

فرض کنید که شما در یک بازی سرنوشت ساز فوتبال و در یک موقعیت حساس باید در کسری از ثانیه بین پاس دادن و شوت زدن یکی را انتخاب کنید. اگر این موقعیت تبدیل به گل شود تیم شما بزرگ ترین جام را فتح می کند و اگر نشود تیمتان از رسیدن به آنچه ماه ها برایش تلاش کرده باز می ماند. از سوی دیگر شما با خودتان فکر می کنید که اگر زنده این گل من باشم به چه محبوبیت در بین هواداران تیم می رسم و همین باعث می شود شوت کنید و حریف هم به سادگی توپ شما را مهار میکند. اما اگر پاس می دادید و یارتان را صاحب توپ می کردید قطعاً به گل می رسیدید. تصمیم شما برای شوت زدن یک تصمیم کاملاً احساسی بود و این رفتار شما را از رسیدن به موفقیت باز داشت. در تمام مراحل زندگی این مثال جاری است. زندگی ما را مجموعه ای از انتخاب ها فرا گرفته و اگر انتخاب های ما با عدم تعقل شکل بگیرد، سال ها تلاش برای رسیدن به هدف مطلوب را تباه کرده ایم. داستان فرزند در درس ۵ و اتفاقات بعد از آن را به یاد بیاورید. در دروس قبلی به این موضوع پرداختیم که انتخاب احساسی با انتخاب آگاهانه تفاوت دارد. در موضوع ازدواج اگر احساسات به صورت زود هنگام و بیش از حد ما را تحت تاثیر قرار گیرد دیگر نمی توانیم در تصمیم گیری واقعیت ها را ببینیم و مصلحت خود را به درستی تشخیص دهیم. فرایند ازدواج باید فرایندی آگاهانه و بر اساس تفکر باشد و گرنه همواره خود را به خاطر عدم آگاهی کافی در تصمیم گیری سرزنش خواهیم کرد. شاید شما هم با افرادی برخورد کرده باشید که وقتی از فرایند ازدواج ناموفقشان یاد می کنند می گویند: این نکات منفی را در همان ابتدا می شود دید اما عشق کورم کرده بود.

۷) صراحت با خود و طرف مقابل، کنار گذاشتن رودربایستی و مسامحه بی جا در بیان

نظرات خود

خیلی وقت ها پیش آمده که در شرایطی قرار می گیریم که به واسطه فشار های خانواده و یا برخی آداب و رسوم، حرف دلمان را نمی زنیم یا اگر سوالی پیش بیاید نمی پرسیم. به این مورد توجه کنید :

علی در جلسه سوم خواستگاری متوجه شده بود که لیلا بسیار عجول و کم صبر است. بعد از پرسیدن سوالاتی که به این موضوع بر می گردد و تحقیقاتی که انجام داد، مطمئن شده بود که لیلا چنین روحیه ای دارد و این ویژگی او را در آینده به شدت اذیت خواهد کرد. اما به جهت این که برخی از اقوام از نامزدی آنها اطلاع داشتند و از طرفی به خاطر اینکه خودش در ابتدا لیلا را به عنوان یک گزینه به خانواده پیشنهاد داده بود، اصلاً نمی توانست به خانواده اش بگوید که در ازدواج با لیلا تردید کرده است و نگران بود که نگاه آنها به او تغییر کند یا دیگر روی حرفش حساب نکنند. در نهایت علی و لیلا ازدواج کردند و با همه ی تلاشی که برای حفظ زندگی شان کردند اتفاقی که برای آنها رقم خورد چیزی جز جدایی نبود.

برخی از جوانان در همان ابتدای فرایند ازدواج، **کار را تمام شده می دانند** و تصور می کنند راه برگشتی ندارند. بنابراین با وجود مشاهده مشکلات جدی، بر آن چشم می پوشند و در نتیجه خود را با مشکلات بزرگتر آینده روبرو می کنند. این باعث می شود که هدف اصلی فرایند ازدواج که آشنایی دو طرف و تناسب آنهاست

برآورده نشود. به نظر شما اگر علی در همان زمان نامزدی به نگرانی‌اش توجه می‌کرد و تصمیم قاطعانه‌ای می‌گرفت برای خودش و لیلا بهتر و کم هزینه‌تر نبود؟

برخی اصول دیگر در فرایند ازدواج

مواردی که در فرایند ازدواج باید مورد توجه باشد محدود به موضوعات مطرح شده در بالا نیست. شما به تناسب نیاز و شرایط خودتان ممکن است لازم باشد مسایل دیگری را مد نظر قرار دهید. در این رابطه برخی اصول دیگر را در زیر می‌آوریم:

این اصول به صورت تصویر یا دیاگرام ذکر شود

آنچه **نباید** در دوره آشنایی و نامزدی انجام دهیم:

بی توجهی به ابهامات و نقاط تردید
داشتن رابطه جنسی
آشکار شدن زود هنگام رابطه نامزدی برای افرادی به جز خانواده طرفین
رفت و آمد بیش از حد یا کمتر از حد ضروری
ساختن تصویر رویایی از طرف مقابل یا از زندگی مشترک
درگیر شدن در احساسات شدید عاشقانه
دروغ گویی به هر شکلی که باشد
فاش کردن رازهای خود
خود بزرگ بینی یا احساس حقارت
بی توجهی به ویژگیهای خانواده طرف مقابل و جدا فرض کردن او از خانواده

آنچه **باید** در طرف مقابل بررسی کنیم (با کمک مشاور):

اعتقادات و باورهای دینی
اعتماد به نفس
مسئولیت پذیری
ثبات عاطفی و توانایی کنترل هیجان
توانایی انتقال احساس
میزان اجتماعی بودن
سازگاری و پذیرش دیگران
میزان نیاز به تأیید دیگران
تمایل به غر زدن، سرزنش و نق زدن

نحوه واکنش به ناکامی
اضطراب
وسواس یا کمال طلبی مخرب

جمع بندی:

فرایند ازدواج، یعنی مسیر حرکت از آشنایی اولیه تا تشکیل زندگی مشترک، نقش مهمی در موفقیت ازدواج دارد. مراحل و جزییات این فرایند در فرهنگهای مختلف متفاوت است اما هدف آن یعنی شناخت طرف مقابل و زمینه سازی برای زندگی مشترک و همچنین اصول حاکم بر آن ثابت است. در دو بخش این درس، مراحل این فرایند و برخی از اصول حاکم بر آن را تشریح کردیم. باید توجه داشت که با وجود اهمیت فرایند ازدواج، بخش مهمی از موفقیت زندگی مشترک وابسته به تلاش و کوشش زوج برای سازگاری با هم و ساختن بنای زندگی پس از ازدواج است. در واقع انتخاب درست مساوی ازدواج موفق نیست کما این که انتخاب مشکل دار هم به معنی شکست ازدواج نیست. در این مورد در دروس آینده سخت خواهیم گفت.

//// برای مطالعه بیشتر ////

برخی از مواردی که باید درباره آنها نسبت به طرف مقابل، به شناخت مناسب برسید:

✓ برای کسب اطلاعات در این موارد میتوان از روش های مختلفی استفاده کرد و در هر مرحله از فرایند ازدواج به بخشی از آنها دست یافت. بعضی از این روشها در ادامه آورده شده. بسیار مهم است که ازدواج بر اساس اطلاعات واقعی و کافی باشد.

۱- اعتقادات:

- دین و مذهب، میزان پایبندی به دستورات دینی، مواردی که از نظر شما و طرف مقابل دارای اهمیت ویژه ای هستند. روزی حلال، محرم و نامحرم، حجاب، نماز، روزه
- آیا تفاوت هنجاری و ارزشی شدیدی بین خواهران و برادران وجود دارد؟
- وضعیت پوشش و حدود روابط محرم و نامحرم در خانواده آنها به چه صورت است؟

۲- اصول و خط مشی زندگی:

- او در زندگی بر چه اصولی پایبند است و بر اساس چه طرز فکر و خط مشی، تصمیم گیری و زندگی میکند؟
- مهمترین مسائل در زندگی او چه مواردی هستند؟

۳- اطلاعات خانوادگی:

- وضعیت هریک از اعضای خانواده از نظر سن، شغل، تحصیلات، فعالیت های اجتماعی، قومیت، ارتباطات خانوادگی و ...

۴- سبک زندگی خانوادگی و روابط اعضای خانواده با یکدیگر:

- آیا هنگام گفتگو های عادی و یا در مسافرت ها که کمی از چهارچوب معمول خارج می شود، گفتگو های افراد خانواده مودبانه و محترمانه است؟
- هنگامی که می خواهند یکدیگر را صدا بزنند از چه ضمائر و الفاظی استفاده می کنند؟
- رفتار گرم و دوستانه ای با هم دارند و یا روابط سردی با یکدیگر دارند؟
- جایگاه هریک از اعضا (پدر، مادر، خواهر، برادر و ...) در خانواده چگونه است؟
- آیا پدر و مادر از اقتدار برخوردار هستند یا اینکه کسی حرف ایشان را نمی پذیرد؟ دلیل آن چیست؟
- در مسائل اقتصادی الگوی هزینه خانواده به چه صورت است؟ اهل اسراف یا صرفه جویی هستند؟ به تجملات و چشم و همچشمی چقدر اهمیت میدهند؟

۵- رفتار اعضا خانواده در هنگام مواجهه با مشکلات:

- فرایند تصمیم گیری و یا حل مسئله، کنترل اضطراب، خشم و ... چگونه است؟ به چه شیوه هایی با مشکلات برخورد می کنند؟
- چگونه از هم حمایت می کنند؟ رفتارشان نسبت به هم همراه با خونسردی و بی خیالی است؟
- دچار تنش، اضطراب و هیجانات شدید می شوند طوری که نمی توانند خودشان را کنترل کنند؟ از پس کنترل هیجانات و احساسات خود بر نمی آیند؟ عصبانی می شوند؟ پرخاش یا کتک کاری می کنند؟
- رفتارشان آرام و همراه با تامل و مسئله محوری است؟ سعی می کنند مسائل خود را به بهترین وجه حل کنند؟
- وضعیت اشتغال و فعالیت های اجتماعی اعضای خانواده به چه نحوی است؟ آیا در این زمینه رسوم یا محدودیت های خاصی وجود دارد که با سبک زندگی مورد نظر شما مغایر است؟
- چه میزان اهل میهمانی رفتن، مسافرت و هزینه برای خانواده هستند؟

۶- سلامت روانی خانواده و اعضا:

- آیا در میان اعضای خانواده نشانه ها و یا علایمی از وجود اختلالات روانی شایعی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس، سوء ظن و ... به چشم می خورد؟

۷- موارد قانونی:

- برای ازدواج لازم است طرفین از نظر ویژگی‌هایی نظیر کم خونی و چند مورد دیگر با آزمایش پزشکی، بررسی شوند، بهتر است این بررسی ها در صورتی که جلسات خواستگاری با موافقت طرفین همراه بود، پیش از آغاز رسمی دوران آشنایی صورت گیرد. چراکه در صورتی که در این موارد مانعی برای ازدواج وجود داشته باشد، برای طرفین مشکل ساز خواهد بود.

۸- سایر موارد:

- اهداف اصلی در زندگی
- میزان تاثیر دیگران در تصمیم گیری ها: استقلال فکری
- ارتباطات اجتماعی و محیط کار
- بررسی مواردی همچون: دروغگویی، خشونت، بدهنی، وسواس، حساسیت یا آلرژی های خاص و ...
- خط فکر سیاسی

برخی از روش های بررسی و تشخیص در فرایند ازدواج:

- در فرایند بررسی، انتخاب، خواستگاری و آشنایی پیش از ازدواج، طرفین و خانواده های آنها تلاش میکنند تا به شناخت مناسبی از یکدیگر دست یابند. با توجه به اینکه تا پیش از آنکه طرفین زندگی مشترک تشکیل دهند، از بسیاری از رفتارها و ویژگی های هم آگاهی ندارند و این عدم آگاهی در بسیاری از موارد باعث ایجاد مشکلات مهمی در زندگی مشترک آنها میشود، کسب اطلاعات کافی و شناخت صحیح، از اهمیت بالایی برخوردار است. اما چگونه و از چه روشهایی میتوان به این سطح از شناخت دست یافت؟
- تمام مراحل فرایندهای پیش از ازدواج برای کمک به کسب این شناخت ها در نظر گرفته شده اند. مواردی که در ادامه می آیند، میتوانند در هریک از مراحل برای کسب شناخت بیشتر استفاده شوند:
۱. تحقیق از دیگران: شامل اقوام و آشنایان نزدیک به فرد -دوستان- کارکنان مدرسه محل تحصیل
 ۲. دقت در رفتار، گفتار و منش طرف مقابل در موقعیت های اجتماعی و خانوادگی
 ۳. مراجعه به مشاور ازدواج و روانشناس متخصص

۴. سوالات مستقیم

***** چگونه باید سوال کرد؟ *****

الف) سوال باید با جزئیات باشد: وقتی پاسخ کلی دریافت میکنید، تلاش کنید از جزئیات مسئله و جوانب مختلف آن سوال کنید تا نظر دقیق طرف مقابل را بفهمید.

ب) بر اساس طرح موقعیت سوال کنید: خیلی وقت ها وقتی از ما نظر میخواهند و یا سوال میکنند که نظر تو چیست، پاسخ ما آن چیزی نیست که به آن عمل میکنیم بلکه آن چیزی است که فکر میکنیم بهتر است. مثلا اگر پرسند به نظر تو دروغ گفتن اشکال دارد؟ پاسخ میدهیم: بله بسیار کار بدی است و اصلا نباید طرف آن رفت. اما اگر خودمان در موقعیت واقعی قرار بگیریم ممکن است دروغ بگوییم. سوال بر اساس موقعیت یعنی برای اینکه پاسخ طرف مقابل واقعی تر باشد، یک موقعیت طرح کنید و از او بخواهید که خودش را در آن تصور کند و بگوید که در آن شرایط چه واکنشی خواهد داشت؟

//// پایان بخش برای مطالعه بیشتر ////

***** سوالاتی برای تفکر بیشتر *****

۱- از بین اصول حاکم بر فرایند ازدواج کدام یک برای شخص شما مهم تر است و نیاز به توجه بیشتر به آن دارید.

۲- به نظر شما چه اصول دیگری را می توان بیان کرد که باید بر فرایند ازدواج حاکم باشند؟
